



درسنامه اقتصاد رفاه با نگرش اسلامی

دکتر محمدتقی گیلک حکیم آبادی
عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران
همکار پژوهشی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
تابستان ۱۳۹۲

گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی، ۱۳۳۴-
درسنامه اقتصاد رفاه با نگرش اسلامی / محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،
۱۳۹۲.
هفت، ۱۱ص: جدول، نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۳۸: اقتصاد؛ ۲۲)
ISBN: 978-600-5486-74-2
بها: ۳۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۱۰۱]-۱۰۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. رفاه اجتماعی - راهنمای آموزشی (عالی). ۲. اسلام و اقتصاد - راهنمای آموزشی (عالی). الف. پژوهشگاه
حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۲ ۴ ۹ د گ / ۱۱ HV ۶۰۷ / ۳۶۱
شماره کتابشناسی ملی
۹۰۲۱۲۲



درسنامه اقتصاد رفاه با نگرش اسلامی

مؤلف: دکتر محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی (عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران)

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۲

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۳۱۱۱۱ - ۰۲۵۱ (انتشارات: ۳۳۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰،
ص.پ. ۳۶۵۱ - ۳۶۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ - ۰۲۱ و ۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان متن درسی در مقطع کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی و نیز دیگر گرایش‌ها و در مقطع کارشناسی نیز به عنوان درس اختیاری تدریس شود

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای
اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز
جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از مؤلف محترم اثر جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر
محمد تقی گیلک حکیم آبادی سپاسگزاری نماید.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
راهنمای تدریس و مطالعه مدرسان و دانشجویان گرامی.....	۳
فصل اول: قلمرو و ماهیت اقتصاد رفاه.....	۵
۱. مقدمه.....	۵
۲. ماهیت و قلمرو اقتصاد رفاه.....	۶
۳. قضاوت‌های ارزشی مورد استفاده در اقتصاد رفاه.....	۸
○ خلاصه فصل.....	۱۷
○ پرسش‌های فصل.....	۱۸
○ منابعی برای مطالعه بیشتر.....	۱۹
فصل دوم: درباره مفهوم رفاه.....	۲۱
۱. مقدمه.....	۲۱
۲. مفهوم لغوی رفاه.....	۲۲
۳. عینی بودن رفاه.....	۲۳
۴. ذهنی بودن رفاه.....	۲۶
○ خلاصه فصل.....	۳۲
○ پرسش‌های فصل.....	۳۴
○ منابعی برای مطالعه بیشتر.....	۳۴
فصل سوم: معیارها و اصول در اقتصاد رفاه.....	۳۵
۱. مقدمه.....	۳۵
۲. روش‌های مبتنی بر رفاه‌گرایی.....	۳۶

۳۶	۱-۲. مطلوبیت عددی
۳۷	۲-۲. اصل پارتو
۳۸	۱-۲-۲. مشکلات اصل پارتو
۳۹	۳-۲. اصل جبران
۴۳	۳. فرار فاه گرایی
۴۴	۱-۳. انتقاد سن: عدم امکان آزادی پارتویی
۴۷	۴. تمایز بین رفاه گرایی و غیر رفاه گرایی
۴۷	۱-۴. ریشه های تمایز
۴۷	۱-۱-۴. منبع و ماهیت ارزیابی
۴۸	۲-۱-۴. اصل پارتو و توزیع اولیه ثروت و درآمد
۴۸	۲-۴. رفاه گرایی و اقتصاد رفاه
۵۰	۳-۴. فرار فاه گرایی
۵۰	۱-۳-۴. ریشه های فرار فاه گرایی
۵۲	۲-۳-۴. دیگر نتایج غیر از مطلوبیت
۵۳	۳-۳-۴. منابع ارزیابی
۵۴	۴-۳-۴. وزن ها
۵۴	۵-۳-۴. مقایسه های نتایج بین شخصی
۵۶	○ خلاصه فصل
۵۶	روش های مبتنی بر رفاه گرایی
۵۷	روش های مبتنی بر فرار فاه گرایی
۵۸	تمایز بین رفاه گرایی و فرار فاه گرایی
۵۹	○ پرسش های فصل
۵۹	○ منابعی برای مطالعه بیشتر
۶۱	فصل چهارم: معیارهای ارزیابی در اقتصاد رفاه با نگرش اسلامی
۶۱	۱. مقدمه
۶۲	۲. نقد معیارهای رفاه گرایی
۶۵	۳. معیارهای ارزیابی اعمال و رفتارهای جمعی در اقتصاد
۶۶	۱-۳. بنیادهای اخلاقی اقتصاد رفاه
۷۱	۴. معیارهای اخلاقی در مکتب اسلام
۷۵	الف) کمال و نقص
۷۶	ب) ملایمت و منافرت با طبع
۷۶	ج) تناسب و عدم تناسب با هدف
۷۶	د) ستایش و نکوهش

۷۹	۵. رابطه احکام و تدابیر حکومتی با مصلحت
۸۱	۱-۵. تعریف مصلحت
۸۲	۲-۵. اولویت و ترتیب مصالح
۸۳	الف) قاعده تقدیم مصلحت مهم‌تر نسبت به مصلحت مهم
۸۴	ب) ملاک تعیین امور اهم و مهم
۸۴	۱. اخروی، دینی و دنیوی بودن مصلحت
۸۵	۲. اجتماعی بودن مصلحت
۸۶	۳. عمومی بودن مصلحت
۸۷	۴. ترجیح مصالح ضروری
۸۷	۵. تقدیم مصلحت دائمی، بنیادین و یقینی
۸۸	۶. نزدیکی با مقاصد کلان شریعت
۸۸	۷. تقدیم مصلحت بزرگ و زیاد بر مصلحت کوچک‌تر و کم
۸۸	۵-۳. مرجع تشخیص مصلحت
۹۴	○ خلاصه فصل
۹۸	○ پرسش‌های فصل
۹۹	○ منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۰۱	منابع و مأخذ
۱۰۷	نمایه موضوعات
۱۰۹	نمایه اشخاص

پیشگفتار

علم اقتصاد، علم تخصیص منابع است. هر شکل از تخصیص منابع یک وضعیت خاص در اقتصاد جامعه و رفاه مردم ایجاد می‌کند. ارزیابی این موقعیت‌ها و توصیه‌های سیاست عمومی مستلزم گامی فراتر از اقتصاد اثباتی است. اقتصاد رفاه، اهمیت هنجاری رویدادهای اقتصادی را ارزیابی می‌کند. بنابراین، به دنبال روش‌های دستیابی به یک رتبه‌بندی اجتماعی درباره وضعیت‌های مختلف و ممکن اقتصادی اجتماعی است.

ارزیابی و رتبه‌بندی این موقعیت‌ها براساس مفاهیم، اصول و معیارهایی است که بر قضاوت‌های ارزشی مبتنی است. این داوری‌ها ممکن است با توجه به نگرش و ارزش‌های جوامع متفاوت باشند.

اقتصاددانان رفاه همچنین سعی کردند تا پیامدهای اقتصادی را توصیف و اندازه‌گیری کنند. هدف اقتصاددانان روشن کردن یا اندازه‌گیری جنبه‌هایی از رفاه اجتماعی است. مهم‌ترین این جنبه‌ها از نظر مردم شامل ملاحظات از قبیل: درجه نابرابری و فقر در جامعه، وسعت حقوق، آزادی و فرصت‌هایی که مردم از آن لذت می‌برند، است. بنابراین، اقتصاددانان رفاه نیز به همین مفاهیم و موضوعات که جنبه ارزشی نیز دارند، علاقه‌مند هستند.

مفهوم رفاه اجتماعی در معارف و اقتصاد و جامعه اسلامی ویژگی‌های خاص دارد. بنابراین، رتبه‌بندی موقعیت‌های اجتماعی و ارزیابی سیاست‌های عمومی، بر قضاوت‌های ارزشی حاکم بر جامعه اسلامی مبتنی‌اند. به نظر می‌رسد ارزش‌های اخلاقی و عدالت توزیعی در چارچوب باورهای اسلامی مهم‌ترین مبانی در اقتصاد رفاه با نگرش اسلامی است. از این‌رو، یافتن این ویژگی‌ها و بنا نهادن اقتصاد رفاه با نگاه اسلامی، موضوع اصلی این پژوهش است. در سامان دادن این مسئله پرسش‌های اساسی ذیل طرح می‌شوند:

- حوزه اقتصاد رفاه و روش تحلیل در آن چیست؟
 - مفهوم رفاه و ابعاد آن در اقتصاد متعارف چیست؟
 - معیارها و اصول اساسی برای ارزیابی موقعیت‌های اجتماعی اقتصادی کدام‌اند؟
 - کاستی‌های معیارهای یادشده از دیدگاه اندیشمندان اسلامی چیست؟
 - اصول و معیارهای اسلامی در اقتصاد رفاه کدام‌اند؟

بنابراین، در جهت پاسخ به این پرسش‌ها فصل اول به بررسی حوزه و قلمرو اقتصاد رفاه می‌پردازد. در این فصل بر اهمیت نقش هنجارها در علم اقتصاد و به‌ویژه اقتصاد رفاه تأکید شده است.

فصل دوم مفهوم رفاه و ابعاد آن را از دیدگاه عالمان اقتصادی پی می‌گیرد، این فصل نشان می‌دهد که رفاه اقتصادی حتی در ابعاد مادی آن بیشتر ذهنی بوده و به دیدگاه افراد بستگی دارد.

فصل سوم اصول و معیارهای ارزیابی موقعیت‌های برآمده از سیاست‌های دولت را بررسی می‌کند. این معیارها اگرچه به‌طور اساسی تحت سیطره مطلوبیت (فایده)‌گرایان کلاسیک و نئوکلاسیک، بر سنجش نتایج رفاهی موقعیت‌ها متمرکز شده‌اند، ولی هنوز هم اندیشمندانی وجود دارند که بر نتایج و پیامدهای فرارفاهی تأکید می‌ورزند.

فصل چهارم، نخست به نقد محدود دیدگاه‌های حاکم بر اقتصاد رفاه از سوی اندیشمندان اسلامی می‌پردازد. سپس با نگاه وسیع‌تر، معیارهای اخلاقی در فلسفه اخلاق را معرفی کرده و از دیدگاه عالمان اسلامی اصول و معیارهای اسلامی را در ارزیابی و اولویت دادن سیاست‌ها و وضعیت‌های ناشی از تصمیم‌های جمعی در جامعه بررسی می‌کند.

در اینجا باید اعتراف کنم که بحث درباره اقتصاد رفاه در چارچوب اسلامی سابقه‌ای اندک دارد. بنابراین، علاقه‌مندان این مباحث با نقد خود می‌توانند مسیر را هموارتر کرده و بر غنای آن بیفزایند. البته بر این باورم که منابع اصیل و غنی اسلامی منبع مفیدی در این مسیر خواهند بود.

در نهایت باید از پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و به‌ویژه از همکار گرانقدر، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حسن آقا نظری به دلیل حمایت‌ها و تشویق‌ها و تحمل دشواری‌ها قدردانی کنم. همچنین از همه دوستانی که در خلق این اثر رنج داوری، آماده‌سازی و چاپ را کشیده‌اند صمیمانه سپاسگزارم.

و من الله التوفیق

محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی

دانشگاه مازندران

۱۳۹۱

راهنمای تدریس و مطالعه مدرسان و دانشجویان گرامی

۱. موضوع اقتصاد رفاه با نگرش اسلامی کار آسانی نبوده است. ادبیات متعارف و آکادمیک علم اقتصاد رفاه عمدتاً در جهت اندازه‌گیری رفاه، معرفی تابع رفاه اجتماعی و در چارچوب اقتصاد خرد و اقتصاد بخش عمومی نگاشته شده‌اند. این آثار در معرفی شاخص‌های ارزیابی عمدتاً بر اصل پارتویی استوارند. البته در این میان مقالات متعدد و کتاب‌هایی نیز نگاشته شده‌اند که بر معیارهای غیر رفاه‌گرایانه تأکید کرده‌اند، که به گمان نگارنده، با توجه به اذعان اندیشمندان، روند رو به رشدی را دارند. از این رو، با توجه به تجربه پیش رو و توصیه استاد گرانقدرم، جناب آقای دکتر محمدحسین تمدن جهرمی، به جای ورود به بحث‌های متعارف اقتصاد خردی، سعی شده است راهبردی انتخاب شود که حداکثر ظرفیت برای طرح دیدگاه‌های اسلامی درباره اقتصاد رفاه وجود داشته باشد. این راهبرد تأکید بر مبانی ارزشی و اخلاقی و گاه نیز منطقی و فلسفی است که خود تلاش بیشتر برای درک بهتر این اثر را موجب شده است. از این رو، از مدرسان خواسته می‌شود تا با شکیبایی و ارائه توضیحات لازم این مفاهیم را تدریس نمایند.

۲. برای طرح دیدگاه‌های اسلامی دو روش یا سلیقه وجود دارد؛ نخست اینکه در هر فصل در کنار مباحث علم اقتصاد رفاه متعارف، دیدگاه اسلامی طرح شود و دیگر اینکه، ابتدا موضوعات مهم در علم اقتصاد رفاه متعارف تبیین شده و سپس دیدگاه‌های اسلامی در آن موضوعات بررسی گردد. این کتاب شیوه دوم را برگزیده و از این رو، این امکان را فراهم آورده است تا این درس به صورت مشترک از سوی استادان محترم ارائه شود.

۳. اقتصاد رفاه شاخه‌ای از اقتصاد بخش عمومی است؛ بنابراین، برای فهم بیشتر مطالب، دانشجو و خواننده باید با اقتصاد بخش عمومی (مالیه عمومی) آشنایی آغازین داشته باشد.

۴. مباحث فصل اول که عمدتاً در ماهیت علم اقتصاد رفاه بحث می‌کند، با این نتیجه‌گیری که به هر حال علم اقتصاد رفاه عمدتاً هنجاری است، دامنه بحث را به همین فصل محدود کرده است. بنابراین، دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی درباره این موضوع که به‌ویژه در چند دهه اخیر معرکه آرا قرار گرفته، به دلیل پیچیده‌تر نشدن اثر، مورد بحث قرار نگرفته است. بنابراین، مدرسان ارجمند با توجه به اندوخته دانشجویان می‌توانند از منابع معرفی‌شده برای طرح این مباحث استفاده کنند.
۵. دانشجویان عزیز می‌توانند با دقت در اهداف کلی و رفتاری در ابتدای فصل، با انتظارات آموزشی فصل آشنا شده و انگیزه خود را برای فهم بهتر مطالب تقویت کنند.
۶. خلاصه و پرسش‌های هر فصل به صورت گسترده تنظیم و نگاشته شده است. این کار اگرچه خلاف معمول است، ولی امیدوارم دانشجو را در فهم مطالب مهم درس یاری رساند.
۷. این متن درسی به‌طور خاص می‌تواند در مقطع کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی و همچنین دیگر گرایش‌ها و در مقطع کارشناسی نیز به عنوان درس اختیاری تدریس شود.

فصل اول

قلمرو و ماهیت اقتصاد رفاه

- **هدف کلی:** شناخت تعریف، ماهیت و قلمرو اقتصاد رفاه.
- **اهداف رفتاری:** براساس اهداف این فصل، انتظار آن است که خواننده پس از مطالعه به اهداف پژوهشی ذیل دست یابد و بتواند:
 - اقتصاد رفاه متعارف را تعریف کند؛
 - ماهیت موضوعات و مسائل مطرح در اقتصاد رفاه را شناخته و تفاوت آن را با دیگر حوزه‌های علم اقتصاد بشناسد؛
 - قضاوت‌های ارزشی استفاده شده در اقتصاد رفاه را بررسی کند.
- **واژه‌های کلیدی:** اقتصاد رفاه، اقتصاد اثباتی، اقتصاد هنجاری، قضاوت‌های ارزشی

۱. مقدمه

علم اقتصاد رفاه اگرچه شاخه‌ای از علم اقتصاد است، ولی به‌طور عموم از چندین جهت اساسی با دیگر شاخه‌ها تفاوت دارد. بنابراین، طبیعی است که ماهیت آن بحث و بررسی شود. البته درک چنین موضوعی ممکن است بدون آگاهی از کل بحث دشوار باشد. با وجود این، باور این است که آشنایی با ساختار روش‌شناسی اقتصاد رفاه در درک صحیح مباحث آن مفید خواهد بود. از این‌رو، این فصل به بررسی ماهیت اقتصاد رفاه اختصاص یافته است. بخش دوم این فصل نیز به قلمرو و ساختار اقتصاد رفاه می‌پردازد و در بخش سوم قضاوت‌های ارزشی استفاده‌شده در اقتصاد رفاه بررسی خواهند شد.

۲. ماهیت و قلمرو اقتصاد رفاه

اقتصاددانان معمولاً سه کار مهم انجام می‌دهند:

۱. توضیح^۱ و پیش‌بینی^۲ پدیده‌های اقتصادی. یک اقتصاددان برای مثال، علل بالا بودن تورم، یا پایین بودن رشد اقتصادی را توضیح می‌دهد و همچنین پیش‌بینی می‌کند که در آینده وضعیت این دو رخداد اقتصادی چگونه خواهد بود.
 ۲. توصیف و اندازه‌گیری^۳ پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی. فقر و نابرابری در درآمد و ثروت در یک کشور چگونه است؟ وضعیت بهداشت و سلامت چگونه اندازه‌گیری می‌شود؟
 ۳. ارزیابی^۴ و توصیه^۵ درباره سیاست‌ها یا وضعیت‌های اجتماعی. سیاست‌هایی که برای رشد اقتصادی و کاهش بیکاری از طرف بخش عمومی اتخاذ شده چه تأثیری بر رفاه اجتماعی دارند؟ دولت برای کاهش بیکاری باید چه سیاست‌هایی را اتخاذ کند؟
- از این سه کار مهم، کار سوم و تا حدودی کار دوم قانون اقتصاد رفاه را تشکیل می‌دهند (بودوی و بروس، ۱۹۹۳، ص ۲ و ۳).

اقتصاد رفاه چارچوبی است که براساس آن اهمیت هنجاری حوادث اقتصادی ارزیابی می‌شود. برای اینکه گزاره‌هایی درباره نتایج رفاه اقتصادی یک رویداد ارائه دهیم، باید فراتر از مطالعه اقتصاد اثباتی، حرکت کنیم. که در رابطه با اثرات یک رویداد بر متغیرهای اقتصادی قابل اندازه‌گیری عینی نظیر قیمت و مقدار است. اقتصاددان رفاه می‌خواهد دلپسند بودن^۷ یک سیاست خاص را نه برحسب ارزش‌های خودش، بلکه برحسب یک معیار اخلاقی که صریحاً بیان شده، تعیین کند. او برای ارزیابی وضعیت‌ها و سیاست‌ها و توصیه به آنها، اقدام به رتبه‌بندی اجتماعی شقوق مختلف این موقعیت‌ها می‌کند. اقتصاددان رفاه بدین وسیله امکان می‌یابد تا همه موقعیت‌ها را مقایسه کرده و هر کدام را به عنوان بهتر، بدتر یا برابر با موقعیت دیگر درجه‌بندی کند (بودوی و بروس، ۱۹۹۳، ص ۴).

درجه‌بندی وضعیت‌های اجتماعی ناگزیر یک روش هنجاری است. یعنی متضمن قضاوت‌های ارزشی^۸ است. هر مجموعه از قضاوت‌های ارزشی پذیرفته‌شده یک رتبه‌بندی اجتماعی متفاوت

1. explanation

2. prediction

3. description and measurement

4. evaluation

5. prescription

6. Boadway & Bruce

7. desirability

8. value judgments

را نتیجه می‌دهد. بنابراین، هیچ روش عینی یا واحدی برای رتبه‌بندی وضعیت‌های اجتماعی وجود ندارد. البته این بدان معنا نیست که هیچ چیز مفیدی نمی‌توان گفت؛ برعکس، برخی قضاوت‌های ارزشی درواقع ممکن است از حمایت گسترده‌ای برخوردار باشند و بنابراین، درجه‌بندی براساس آنها ممکن است مبنای قانونی توصیه‌های سیاستی واقعی را تشکیل دهند. ما نشان خواهیم داد که استفاده از اقتصاد رفاه به خاطر اهداف، سیاستی مبتنی بر این مبانی است. بسیاری از تحلیل‌های اقتصادی رفاه که توصیه‌های سیاستی براساس آنها شکل می‌گیرند، مبتنی بر یک مجموعه مشخص از قضاوت‌های ارزشی هستند که به‌طور گسترده‌ای در بین اقتصاددانان پذیرفته شده‌اند. بخش زیادی از اقتصاد رفاه مبتنی بر مفهوم کارایی است. این مفهوم برای رتبه‌بندی وضعیت‌های اجتماعی براساس برخی قضاوت‌های ارزشی حداقل به کار می‌رود. کارایی اقتصادی متضمن دو قضاوت ارزشی عمده است. نخست اینکه رتبه‌بندی اجتماعی باید مبتنی بر رتبه‌بندی‌های فردی از وضعیت‌های اجتماعی جایگزین، یعنی ترجیحات فردی باشد، که به‌طور ضمنی فرض می‌شود که هر فرد بهترین داور درباره ترجیحات خودش است. این فرض را فردگرایی نامند (بودوی و بروس، ۱۹۹۳، ص ۴).

دومین قضاوت ارزشی که به‌طور گسترده پذیرفته شده، اصل پارتو است که در قوی‌ترین شکلش بیان می‌کند که هر گاه فردی وضعیت A را بالاتر از وضعیت B رتبه‌بندی کند و تمام افراد دیگر A را حداقل مانند B رتبه‌بندی کنند، بنابراین A باید در رتبه‌بندی اجتماعی بالاتر از B قرار گیرد. البته اصل پارتو در تمام وضعیت‌های اجتماعی قابل اعمال نیست؛ زیرا بیشتر موقعیت‌های اجتماعی در حالی که مورد ترجیح عده‌ای هستند بر ضرر عده دیگرند. چنین وضعیت‌هایی غیر قابل مقایسه پارتویی نامیده می‌شوند و فقط در صورتی می‌توان آنها را رتبه‌بندی کرد که قضاوت‌های ارزشی بیشتری صورت گیرد (بودوی و بروس، ۱۹۹۳، ص ۴).

برای مثال، سیاست‌هایی که اثرات توزیع مجدد دارند، قضاوت درباره آنها احتیاج به اصول و معیارهای دیگری دارد. به هر حال، اقتصاد رفاه عاری از ارزش یا اقتصاد رفاه علمی ظاهراً بر ضد موضوعات بسیار اساسی ارزیابی و توصیه‌ای اقتصاد رفاه است. با فرض اینکه اقتصاد رفاه با ارزیابی و توصیه وضعیت‌ها و سیاست‌های اجتماعی مرتبط است، تعجب‌برانگیز نیست که زبان اقتصاد رفاه زبان اخلاقیات است که برای پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی به کار برده می‌شود (دوتا و پتانیک، ۲۰۰۳^۱، ص ۴).

اقتصاددانان رفاه همچنین با تعریف، توصیف و اندازه‌گیری پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی سروکار دارند. هدف آنان در اینجا روشن کردن یا اندازه‌گیری جنبه‌های مشخصی است که ارتباط بسیار نزدیکی با مفهوم رفاه اجتماعی دارد. بیشترین فهم مردم از رفاه اجتماعی متضمن ملاحظاتمانند درجه نابرابری و فقر در جامعه، وسعت حقوق، آزادی و فرصت‌هایی که مردم از آن برخوردار می‌شوند، است. بنابراین، طبیعی است که اقتصاددانان رفاه علاقه‌مند به محتوای شهودی تمام این مفاهیم و موضوعات اندازه‌گیری مربوط به آنها بوده‌اند. یادآور می‌شود که بسیاری از این مفاهیم محتوای توصیفی و محتوای ارزیابی قابل ملاحظه‌ای دارند. تعریف نابرابری و فقر چیست و چگونه می‌توان آن را اندازه‌گیری کرد؟ منظور مردم وقتی می‌گویند یک فرد برخوردار از حقوق خاص، مثل حق عبادت دینی است، چیست؟ آیا می‌توان آزادی را با شمردن تعداد انتخاب‌ها اندازه‌گیری کرد؟ اینها برخی از موضوعات هستند که اقتصاددانان رفاه حدود سه دهه اخیر بررسی کرده‌اند. این موضوعات اگرچه به خودی خود ضرورتاً متضمن توصیه یا ارزیابی نیستند، ولی ارتباط بسیار نزدیکی با هدف توصیه و ارزیابی موقعیت‌ها و سیاست‌های اجتماعی دارند. بدون روشن شدن معنای حقوق، آزادی و فرصت به‌سختی می‌توان تعیین کرد این ملاحظات باید چه وزنی در ارزیابی موقعیت‌های خاص جایگزین در یک جامعه داشته باشند (دوتا و پتانیک، ۲۰۰۳، ص ۴ و ۵).

۳. قضاوت‌های ارزشی مورد استفاده در اقتصاد رفاه

معنای قضاوت‌های ارزشی، همان‌گونه که این اصطلاح نشان می‌دهد، در برابر قضاوت‌های واقعی^۱ است. گزاره‌های واقعی گزاره‌های توصیفی‌اند، در حالی که قضاوت‌های ارزشی گزاره‌های ارزیابی و توصیه‌ای هستند. یک گزاره واقعی، واقعیت را همان‌گونه که هست توصیف می‌کند؛ از این رو، باید یا درست باشد یا غلط. اصولاً، این گزاره تحت شرایط ایده‌آل می‌تواند تأیید یا ابطال شود. از سوی دیگر، قضاوت‌های ارزشی، ارزش اخلاقی چیزهای خاص را اظهار می‌کنند، مثلاً یک شیء خوب است، یا یک رفتار درست است یا یک امری باید انجام شود. این قضاوت‌ها به خاطر ماهیتشان نمی‌توانند همانند گزاره‌های واقعی درست یا غلط باشند. بنابراین، ما نمی‌توانیم یک قضاوت ارزشی را آن‌گونه که یک گزاره واقعی را اثبات می‌کنیم، اثبات

1. factual judgments

یا رد کنیم. با وجود این، از یک قضاوت ارزشی می‌توان پیروی کرد؛ یعنی قضاوت ارزشی را که با اصول اخلاقی ما موافق است ممکن است خواهان آن شویم. این گزاره که «شما باید به فقیر کمک کنید» یک قضاوت ارزشی است. این گزاره که «عمق این چاه بیش از ده پاست» یک قضاوت واقعی است. البته گزاره‌های بینابین و مرزی نیز وجود دارند (ان. جی.^۱، ۱۹۹۰، ص ۴). برای مثال، گزاره «این عکس زیباست» اثباتی است؛ هرگاه بدین معنا باشد که این عکس برای من زیبا جلوه می‌کند. و یک گزاره ارزشی است، هرگاه معنایش این باشد که «من فکر می‌کنم این یک عکس زیباست» و یک گزاره هنجاری است اگر بدین معنا باشد که این عکس زیباست و متضمن این است که دیگران باید آن را به عنوان عکس زیبا بپذیرند (ان. جی.^۱، ۱۹۸۵، ص ۱).

قضاوت‌های ارزشی به‌طور گسترده‌ای با قضاوت‌های واقعی غیر قابل آزمون اشتباه گرفته می‌شوند. بدیهی است که هرچند قضاوت‌های ارزشی غیر قابل آزمون هستند، ولی تمام قضاوت‌های غیر قابل آزمون ارزشی نیستند.

بنابراین، گزاره واقعی «یک خوک بالدار (در یک جایی از جهان) وجود دارد»، غیر قابل آزمون است. با وجود این، فقط از این نظر غیر قابل آزمون است که از نظر فیزیکی ممکن نیست که هر گوشه‌ای از جهان را گشت؛ نه به خاطر اینکه این گزاره نمی‌تواند درست یا غلط باشد. برخی قضاوت‌های ارزشی برای اینکه قابل اثبات نیستند یا اثبات آنها در عمل مشکل است و بنابراین معمولاً ارزش‌های مشخص را منعکس می‌کنند، به عنوان قضاوت‌های ارزشی تلقی می‌شوند. مشکل اثبات در این قضاوت‌ها ممکن است به دلیل مشکل عملی اندازه‌گیری (مثل مورد مقایسه‌های بین‌شخصی خاص)، پیچیدگی روابط داخلی (مانند روابط اهداف - ابزار) در یک نوع پدیده اجتماعی یا به دلیل عوامل دیگر باشد. وجود این مشکلات توافق عمومی درباره این قضاوت‌ها را غیر ممکن ساخته و از این رو قضاوت‌های واقعی در این حوزه‌ها معمولاً ارزش‌ها و علاقه‌های شخصی یا بخشی را منعکس می‌کنند.

برای مثال، اشاره می‌شود که با نگاه به اطلاعات یکسان، اقتصاددانان جناح چپ از این اطلاعات استنباط می‌کنند که مالیات تصاعدی اثر ضد انگیزشی ندارد، در حالی که اقتصاددانان جناح راست عکس آن را استنباط می‌کنند.

1. Ng

بنابراین به نظر می‌رسد اگر قضاوت ارزشی به‌طور گسترده تعریف شود که شامل ارزش‌های هر شخص قضاوت‌کننده‌ای شود، بسیاری از قضاوت‌ها درباره واقعیات که اثبات آنها مشکل است، می‌توانند قضاوت‌های ارزشی باشند. این یکی از مشکلات تعریف است، ولی یک تعریف مفید باید ویژگی‌های مهم آن مجموعه‌ای را که درصدد تعریف آن است، منعکس کند. قضاوت‌های ارزشی به معنای واقعی کلمه و قضاوت‌ها درباره واقعیات که ارزش‌های شخصی را منعکس می‌کنند، از نظر منطقی متمایز هستند، یکی نمی‌تواند صحیح یا غلط باشد در حالی که دیگری می‌تواند صحیح یا غلط باشد. بنابراین، حتی اگر ما بر تعریف گسترده اصرار کنیم، باید آن را به دو زیر تعریف قضاوت‌های ارزشی به معنای واقعی کلمه و قضاوت‌های ارزشی ثانوی تقسیم کنیم. من پیشنهاد می‌کنم دومی را قضاوت‌های ذهنی واقعیت^۱ بنامیم و کلمه ارزش را برای قضاوت‌هایی که خودشان گزاره‌های ارزشی هستند، به کار ببریم (ان. جی، ۱۹۹۰، ص ۴).

اکنون سؤال این است که دیدگاه‌های مختلف در اقتصاد رفاه نسبت به قضاوت‌های ارزشی چیست؟ آیا اقتصاد رفاه یک مطالعه اثباتی یا هنجاری است؟ پاسخ این سؤال را ضمن بحث درباره دیدگاه‌های مختلف در علم اقتصاد نسبت به جایگاه قضاوت‌های ارزشی به اختصار ذکر کرده و سپس در فصل‌های بعدی به‌طور مشخص سیر تحول نظریات در اقتصاد رفاه را بیان می‌کنیم.

از نظر تاریخی نظریات درباره خنثی بودن علم اقتصاد نسبت به ارزش‌ها و خنثی نبودن آن، هنگامی وارد علم اقتصاد شدند که رایینز (۱۹۳۲) این مسئله را از وبر (۱۹۲۲) اقتباس کرد. قبل از این، سنت علم اقتصاد در بین انگلیسی‌زبانان، تقسیمات مبتنی بر عبارات مهم فلسفی نظیر علم^۲ در برابر اخلاق^۳ و هست در برابر باید را مطرح کردند. این سنت اخیر با سه‌گانگی جان نویل کینز^۴ (۱۸۹۰) بین علم اثباتی، علم هنجاری و هنر^۵ (که اکنون، علم اقتصاد کاربردی نامیده می‌شود) شروع شد. تقسیم‌بندی‌های بسیار اولیه مانند سنور^۶ و میل^۷ فقط دوگانه بوده است (مانجین، ۲۰۰۶^۸).

در اینجا گزاره‌هایی که از سوی یک اقتصاددان ساخته می‌شود، وقتی هنجاری محسوب می‌شود که با یک قضاوت ارزشی ساخته‌شده به وسیله خود او (نه شخص دیگر) همراه باشد و

1. subjective judgments of fact

2. science

3. moral or ethics

4. John Neville Keynes

5. art

6. Senior

7. Mill

8. Mongin

در غیر این صورت (به‌ویژه اگر براساس قضاوت‌های ارزشی دیگران باشد) گزاره‌های اثباتی تلقی می‌گردد. این دیدگاه ظاهراً یک تقسیم‌بندی مسلّم و مشخص از علم اقتصاد را فراهم می‌سازد و بنابراین، از آن به عنوان معیار مقتدر^۱ اشاره می‌کنیم (مانجین، ۲۰۰۶، ص ۳).

چهار راه حل و نظر درباره مسئله خنثی بودن ارزش در اقتصاد قرن بیستم مطرح شده است: **نظر اول:** خنثایی قوی. مطابق این نظر، اقتصاددانان باید همواره از قضاوت‌های ارزشی بپرهیزند. بنابراین، با استفاده از معیار مقتدر به عنوان یک ابزار تفسیر می‌توان گفت که علم اقتصاد یا اثباتی است یا باید اثباتی باشد (مانجین، ۲۰۰۶، ص ۳).

این نظر در متن مشهور رایینز به‌خوبی نمایان است: «آقای هاوتری^۲ می‌گوید: "علم اقتصاد" نمی‌تواند از علم اخلاق تفکیک شود». متأسفانه از نظر منطقی ممکن نیست که دو مطالعه به هر شکل، ولی صرفاً نزدیک به هم را به هم پیوند داد. علم اقتصاد با حقایق قابل اثبات سروکار دارد و علم اخلاق با ارزیابی‌ها و وظایف. دو زمینه تحقیق براساس طرح یک بحث یکسان نیستند. بین تعمیم‌های مطالعات اثباتی و هنجاری یک شکاف منطقی وجود دارد. قضایایی که متضمن فعل «باید» هستند نوعاً از قضایای متضمن «هست» متفاوت‌اند (مانجین، ۲۰۰۶).

موقعیت خنثایی قوی ارزیابی‌های متضادی از علم اقتصاد رفاه را ترویج کرده است. رایینز (۱۹۳۲) سخنگوی حاد این نظر، علم اقتصاد رفاه را از علم اقتصاد خارج کرده و آن را داخل در برزخ علم اخلاق می‌داند. هرچند پیروان او در مدرسه اقتصاد لندن با این رتبه‌بندی او موافق نبودند. آرچیبالد (۱۹۵۹) نشان داد که علم اقتصاد رفاه از جهاتی مانند نظریه بیکاری اثباتی است. امروزه یک روایت فرمالیستی از علم اقتصاد رفاه، تئوری انتخاب عمومی^۳ و اثر مربوط به آن مانند تئوری چانه‌زنی، وجود دارد که تقریباً موجب نتیجه مشابه، هرچند با ریشه متفاوت، می‌شود. با پیشرفت این موضوع، علم اقتصاد رفاه و تئوری‌های مشابه، مانند تئوری بیکاری، بلکه مانند ریاضیات و منطق اثباتی هستند (مانجین، ۲۰۰۶).

نظر دوم: خنثایی ضعیف، این نظر همانند نظر نخست، با این سؤال اساسی که آیا ساختن قضاوت‌های ارزشی از نظر منطقی برای اقتصاددان به عنوان اقتصاددان مجاز است، شروع می‌کند؛ ولی برخلاف نظر اول ادعا می‌کند که برخی مواقع اقتصاددان ممکن است و حتی باید

1. authoritative criterion

2. Hawtrey

3. public choice

دست به قضاوت‌های ارزشی بزنند. به زبان دیگر، می‌توان گفت که علم اقتصاد ممکن است و حتی برخی مواقع باید هنجاری باشد و در غیر این صورت بستگی به موارد، علم اقتصاد اثباتی است، یا باید اثباتی باشد. مطابق این نظر تفاوت‌های ارزشی که اقتصاددانان حق دارند بسازند، تعدادشان اندک بوده، کشف آنها آسان و از نظر منطقی و عملی از دیگر قضاوت‌هایی که اقتصاددانان می‌کنند، جدایی‌پذیرند.

علم اقتصاد رفاه جدید^۱ در اوج خود، نظر دوم را بسیار پُرشور تشریح می‌کند. برگسون^۲ (۱۹۳۸)، ساموئلسون^۳ (۱۹۴۷) و لیتل^۴ (۱۹۵۰) معتقدند که آنها و دیگر اقتصاددانان در این زمینه قضاوت‌های ارزشی می‌کنند و درواقع ساختن این قضاوت‌ها از سوی آنان موجه بوده است (مانجین، ۲۰۰۶، ص ۱۸). مطابق قضاوت‌های ارزشی عمومی، بهینه پارتو، مفهوم خاصی از خوبی^۵ و برتری پارتویی یک مفهوم ویژه‌ای از بهتر بودن^۶ بود. اقتصاددانان رفاه جدید احساس می‌کردند که آنها ابزار پارتویی را حتی به عنوان اقتصاددان نمی‌توانند به کار گیرند، مگر اینکه آن را با بهره اخلاقی سرمایه‌گذاری کنند. بنابراین، آنها یک قضاوت ارزشی جداناپذیر را به این تعریف‌ها اضافه می‌کنند، تا درجه‌بندی پارتویی را با خوب اقتصادی یا اجتماعی مرتبط کنند (مانجین، ۲۰۰۶).

نظر سوم: عدم خنثایی قوی. این نظر با نظر اول که معتقد است اقتصاددانان با هر حوزه فعالیت، باید از قضاوت‌های ارزشی پرهیز کنند، مخالف است. این نظر بر آن است که از جهت ارزش‌ها، اقتصاددانان آنچه را که به عنوان اقتصاددان انجام می‌دهند، با آنچه که به عنوان شهروند یا افراد خصوصی عمل می‌کنند، تفاوتی نیست. نظر عدم خنثایی قوی اغلب به این نتیجه می‌رسد که درواقع قضاوت‌های ارزشی باید به صورت آشکار ساخته شوند و آنچه که در قضاوت‌ها اشتباه است، ساختن آنها نیست، بلکه این است که معمولاً روی آنها سرپوش گذاشته می‌شود.

دلایل عمومی بر این ادعاها و ادعاهای مربوط این است که تحسین خنثایی علم اقتصاد را تضعیف می‌کند و اصولاً تحقق چنین علمی ممکن نیست و حتی اینکه موجب عدم امکان منطقی می‌شود. براساس تمایز اثباتی - هنجاری، می‌توان گفت که علم اقتصاد بستگی به استدلالی که انتخاب می‌شود همواره یا هنجاری است و یا باید هنجاری باشد. این نظر برخلاف

1. new welfare economics

2. Bergson

3. Samuelson

4. Little

5. good

6. betterness

نظریات دیگر، نه فقط برای علم اقتصاد، بلکه برای علوم اجتماعی به طور عام مطرح شده است (مانجین، ۲۰۰۶، ص ۴ و ۵). نقطه اوج ادعای این نظر آن است که عالمان حتی هنگام اجرای مراحل منطقی و ریاضی نیز دست به برخی ارزیابی می‌زنند. اقتصاددانان اندکی با این نظر موافق‌اند که از آن جمله نئومارکسیست‌ها، نئوکینزین‌ها و برخی دیگر را می‌توان نام برد. میردال (۱۹۵۸) را که جزء برخی دیگر است، می‌توان نماینده این گروه معرفی کرد (مانجین، ۲۰۰۶).

او نظر عدم خنثایی قوی را در متن ذیل چنین خلاصه می‌کند:

یک علم اجتماعی بی‌طرف هرگز وجود ندارد و به دلایل منطقی نمی‌تواند وجود داشته باشد. محتوای ارزشی مفاهیم عمده ما یک موضوع را نشان داده، افکار ما را هدایت کرده و به استنتاجات ما اهمیت می‌دهند. سؤالاتی مطرح می‌شود که بدون آنها پاسخی وجود ندارد. اذعان به اینکه بسیاری از مفاهیم ما حاوی ارزش هستند، نشان می‌دهد که آنها نمی‌توانند به جز برحسب ارزیابی‌های سیاسی، تعریف شوند. درواقع به دلیل دقت علمی است که این ارزیابی‌ها بایستی صریح صورت گیرند. آنها مقدمات ارزشی را برای تحلیل علمی فراهم می‌کنند. برعکس این اعتقادات گسترده نه فقط نتایج علمی ناشی از یک تحلیل علمی، بلکه خود این تحلیل ضرورتاً بستگی به مقدمات ارزشی دارد (مانجین، ۲۰۰۶).

نظر چهارم: عدم خنثایی ضعیف. ممکن است این نظر را بین نظرهای دوم و سوم قرار داد. این نظر نیز با این ادعای گسترده که سؤال از ساختن قضاوت‌های ارزشی برای اقتصاددان به عنوان اقتصاددان پیش می‌آید، شروع می‌کند و اینکه اقتصاددان ممکن است، یا باید دست به قضاوت‌های ارزشی بزند بستگی به مورد پیش روی او دارد. این ادعا با نظر خنثایی قوی در تضاد بوده ولی با نظر خنثایی ضعیف سازگار است (مانجین، ۲۰۰۶).

از نظر فنی، نظر چهارم به تقسیم مفهومی سنتی قضاوت‌های ارزشی به یک گزاره و یک قضاوت به معنای واقعی^۱ بستگی دارد. این امر یک روش دومرحله‌ای را برای تمییز بین قضاوت ارزشی از دیگر قضاوت‌ها ایجاد می‌کند. مرحله اول، گزاره را به طور دقیق بررسی می‌کند و این سؤال مشکل را شامل می‌شود که این گزاره شامل چه نوع محمول‌هایی می‌شود؟ برخی محمول‌ها (نظیر عادلانه^۲) به طور واضح ارزیابانه هستند، برخی دیگر (مانند برابرتر برحسب ضریب جینی) به طور وضوح چنین نیستند و بسیاری دیگر پیچیده‌اند. مرحله دوم این است که کدام یک از نوع خاص گزاره‌ها، محمول‌های ارزیابانه دارند که دوباره فقط یک

1. judgment proper

2. just

سؤال مشکل وجود دارد و آن اینکه: آیا اقتصاددان مسئول قضاوت همراه با گزاره است؟ (مانجین، ۲۰۰۶).

اکنون در بین اقتصاددانان (و دیگر عالمان) تا حدی توافق وجود دارد که به عنوان اقتصاددان مجاز به هیچ‌گونه قضاوت ارزشی نیستند و به عنوان شهروند نیز نسبت به دیگر شهروندان صلاحیت بیشتری در ایجاد قضاوت‌های ارزشی ندارند.

ممکن است با این نظر در صورتی که منظور قضاوت‌های ارزشی به معنای واقعی کلمه باشد، مخالفت نکرد با وجود این، اغلب اقتصاددانان قضاوت‌های ارزشی را که قضاوت‌های ذهنی واقعیت نامیدیم در قضاوت‌های ارزشی می‌گنجانند. بنابراین، می‌توان معتقد بود که اقتصاددانان اغلب نسبت به غیر اقتصاددانان در آن دسته از قضاوت‌های ذهنی واقعیت که بر زمینه‌های مطالعاتی‌شان بسیار نزدیک است صلاحیت بیشتری دارند. این امر باید برای هر کس که به مفید بودن آموزش علم اقتصاد ایمان دارد، مورد پذیرش باشد. البته اقتصاددانان لازم نیست که در دیگر قضاوت‌های ذهنی صلاحیت بهتری داشته باشند. اصولاً بسیاری از قضاوت‌های ذهنی واقعیت فقط بدین دلیل ذهنی هستند که روابط یا روابط داخلی به قدری پیچیده‌اند که به‌دقت نمی‌توانند تعیین شوند. برای مثال، یک اقتصاددان ممکن است درباره اثر دو سیاست جایگزین تراز پرداخت‌ها بر رشد اقتصادی قضاوت مشکلی داشته باشد؛ در حالی که یک انسان عادی احتمالاً چیزی درباره این اثرات نمی‌داند. مثال دیگری را در نظر بگیرید، با فرض یک مجموعه اطلاعات، اقتصاددانان صلاحیت بیشتری دارند که استنباط کنند آیا مالیات تصاعدی اثر ضد انگیزشی دارد. اگرچه ایدئولوژی یا علاقه شخصی ممکن است بر استنباط آنان تأثیر بگذارد، با وجود این، با حفظ دیگر شرایط آنها هنوز نسبت به غیر اقتصاددانان صلاحیت بیشتری دارند.

دقیق‌تر اینکه، اقتصاددانان جناح چپ صلاحیت بیشتری نسبت به غیر اقتصاددانان جناح چپ دارند و اقتصاددانان بی‌طرف صلاحیت بیشتری نسبت به غیر اقتصاددانان بی‌طرف دارند و... .

ارگان‌های دولتی معمولاً از اقتصاددانان می‌خواهند قضاوت‌های ذهنی واقعیت انجام دهند. اقتصاددانان معمولاً این کار را به‌طور غیر فردی و با یک وجدان نگران از اینکه به تفاوت‌های ارزشی می‌پردازند که موظف به انجام آن نیستند، انجام می‌دهند. اگر استدلال بالا پذیرفته شود، اقتصاددانان می‌توانند با وجدان آرام‌تری به این کار اقدام کنند. کاملاً درست است که اقتصاددانان و جامعه‌شناسان باید همانند دانشمندان در قضاوت‌های ذهنی واقعیت تا حد

ممکن عینی باشند. هر دو جناح چپ و راست باید سعی کنند خود را از جانبداری‌های ایدئولوژیکی رها سازند. با وجود این، آنها همانند شهروندان، آزادند تا از ایدئولوژی خاص خود حمایت کنند.

همچنین کاملاً صحیح است که قضاوت‌های ذهنی واقعیت ممکن است صحیح نباشند و از این رو، باید با احتیاط پذیرفته شوند. اقتصاددانان در توصیه‌ها یا گزارش‌های خود، با روشن کردن اینکه کدام قسمت‌ها از نظر علمی واقعیت‌های محرز و در کدام یک از قضاوت‌ها درباره واقعیت بخشی از آن، مبتنی بر تحلیل علمی و بخشی مبتنی بر عقاید شخصی‌اند و کدام یک قضاوت‌های ارزشی خالص هستند، به شفافیت این مسئله کمک می‌کنند. در حالی که قضاوت‌های ذهنی واقعیت همان موقعیت قضایای علمی محرز^۱ را ندارند ولی در بسیاری از تصمیمات سیاسی مهم، مورد نیاز هستند (ان. جی.، ۱۹۹۰، ص ۴-۶).

تصدیق تمایز بین قضاوت‌های ذهنی واقعیت و قضاوت‌های ارزشی به معنای واقعی کلمه، نه فقط نقش اقتصاددانان (و دیگر عالمان) را در توصیه سیاست تقویت می‌کند، بلکه همچنین ارزیابی مجدد از وضعیت منطقی چنین علوم، مانند علم اقتصاد رفاه را ایجاب می‌کند. به‌طور گسترده اعتقاد بر این است که علم اقتصاد رفاه ضرورتاً هنجاری است. برای مثال نات^۲ استدلال می‌کند که اقتصاد رفاه ضرورتاً مبتنی بر قضاوت‌های ارزشی است. جدای از قضایای فنی خالص که براساس آن نات مورد استناد قرار می‌دهد، قضایایی مانند «تحت محیط‌های کلاسیکی، تعادل در رقابت کامل نیز یک بهینه پارتویی است» کاملاً اثباتی است و مبتنی بر قضاوت‌های ارزشی پارتو نیست. فقط هنگامی که این قضیه دوباره به شکل یک تعادل رقابتی کامل بهینه است تدوین می‌شود، مبتنی بر قضاوت‌های ارزشی پارتو است. به عنوان یک واقعیت این قضیه در شکل اولش توسط اقتصاددانان ریاضی اثبات شده است.^۳

برای نشان دادن این مطالب به‌طور علمی‌تر، گزاره‌هایی نظیر «این سیاست خاص منتج به بهبود پارتویی خواهد شد» نه تنها مبتنی بر هیچ قضاوت ارزشی نیست بلکه درعوض بر یک تحلیل اثباتی و شاید بر برخی قضاوت‌های ذهنی واقعیت مبتنی باشد. از طرف دیگر این گزاره که «این سیاست باید پذیرفته شود زیرا موجب بهبود پارتویی خواهد شد» مطمئناً مبتنی بر یک قضاوت ارزشی پارتویی است. عموماً می‌توان گفت که هر توصیه سیاستی بایستی مبتنی بر یک

1. scientifically established-facts

2. Nath

3. arrow

قضاوت ارزشی باشد ولی خود تحلیل اقتصادی نباید ارزشی باشد و تحلیل اقتصادی (شامل اقتصاد رفاه) و سیاست اقتصادی دو چیز متفاوت هستند (ان. جی.، ۱۹۹۰، ص ۶). اشتباه گرفتن این دو مفهوم که از نظر منطقی از هم متمایزند، موجب انکار اقتصاد رفاه تئوریکی از سوی نات شد. مک‌لپ (۱۹۶۹) نیز روش مشابه روش نات را هنگامی که اظهار می‌دارد که اقتصاد رفاه ضرورتاً هنجاری است می‌پذیرد.

«هر جا که اهداف به‌طور کامل و بدون ابهام معین می‌شوند، تحلیل بهترین راه‌های دستیابی به این اهداف ابزاری است نه هنجاری. ولی هر جا که نقص یا ابهام در تعیین اهداف وجود داشته باشد، تحلیلگر نمی‌تواند پاسخی را (آگاهانه یا غیر آگاهانه) بدون پر کردن شکاف‌ها بر طبق قضاوت‌های ارزشی که خودش در آن لحظه وارد می‌کند، فراهم کند. ... این نوع تحلیل اقتصادی — اقتصاد رفاه — هنجاری است».

کاستی در تعیین اهداف، بدین معنا است که هیچ نتیجه معینی را نمی‌توان بدون قضاوت‌های ارزشی اضافی گرفت. درست است که هر جا که بایستی یک نتیجه (برای مثال یک سیاست یا پیشنهاد سیاستی) گرفته شود متضمن یک قضاوت ارزشی است. معمولاً برای اقتصاددانان به عنوان مشاوران قضاوت‌های ارزشی درست است اگرچه بسیاری از آنها درواقع قضاوت‌های ذهنی واقعیت هستند. اما تحلیل در اقتصاد رفاه نظری می‌تواند بدون قضاوت‌های ارزشی کافی صورت گیرد. درست است که برای برداشتن گامی بیشتر در تحلیل، قضاوت‌های ارزشی لازم است ولی این قضاوت‌ها را می‌توان در عبارات شرطی قرار داد و بنابراین خود تحلیل عاری از ارزش است.

یک مثال از اثرات خارجی را در نظر بگیرید. این قضیه عمومی که هر جا پیامد خارجی وجود دارد رفتارهای حداکثرکننده مطلوبیت فعالان خرد به یک موقعیت غیر پارتویی منجر خواهد شد، کاملاً عاری از ارزش است. با وجود این، برای گرفتن نتایج سیاستی، یک قضاوت ارزشی خاص نیاز است، که ممکن است در عبارت شرطی قرار گیرد. اگر فقط هدف رسیدن به یک بهینه پارتویی باشد بنابراین بایستی مالیات بر X وضع شود. از طرف دیگر هنگامی که تصمیم گرفته می‌شود مالیاتی بر بنگاه A وضع شود بدون اینکه اهدافی از خارج معین شود، ضرورتاً این تصمیم یک عمل هنجاری است.

از بحث بالا می‌توان نتیجه گرفت که اقتصاد رفاه اثباتی وجود دارد ولی استفاده از اقتصاد رفاه برای توصیه معین یا تصمیمات سیاستی، قضاوت‌های ارزشی (خواه از خارج یا توسط اقتصاددان کاربردی) لازم است (ان. جی.، ۱۹۹۰، ص ۶ و ۷).

○ خلاصه فصل

- اقتصاد رفاه شاخه‌ای از علم اقتصاد و از دیگر شاخه‌های آن متمایز است. اقتصاد رفاه چارچوبی است که براساس آن اهمیت هنجاری حوادث اقتصادی ارزیابی می‌شود. اقتصاددان رفاه می‌خواهد دلپسند بودن یک سیاست خاص را نه برحسب ارزش‌های خود، بلکه برحسب یک معیار اخلاقی که صریحاً بیان شده تعیین کند.
- اقتصاددان رفاه برای ارزیابی وضعیت‌ها، سیاست‌ها و توصیه به آنها اقدام به رتبه‌بندی اجتماعی شقوق مختلف این موقعیت‌ها می‌کند.
- درجه‌بندی وضعیت‌های اجتماعی یک روش هنجاری است، یعنی متضمن قضاوت‌های ارزشی است. هر مجموعه قضاوت‌های ارزشی پذیرفته‌شده به یک رتبه‌بندی اجتماعی متفاوت منجر می‌شود.
- بخش زیادی از اقتصاد رفاه مبتنی بر مفهوم کارایی پارتویی است. کارایی اقتصادی متضمن دو قضاوت ارزشی عمده است؛ اول، اینکه رتبه‌بندی اجتماعی باید مبتنی بر ترجیحات فردی باشد که خود مبتنی بر فرض فردگرایی است. دومین قضاوت ارزشی که به‌طور گسترده پذیرفته شده، اصل پارتو است.
- اقتصاددانان رفاه همچنین با تعریف، توصیف و اندازه‌گیری پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی سروکار دارند. هدف آنان در اینجا روشن کردن یا اندازه‌گیری جنبه‌های مشخصی است که ارتباط بسیار نزدیکی با مفهوم رفاه اجتماعی دارد.
- مسئله مهم این است که قضاوت‌های ارزشی در اقتصاد رفاه کدام‌اند؟ برخی اقتصاددانان رفاه بین دو نوع قضاوت‌های ارزشی به معنای واقعی کلمه و قضاوت‌های ارزشی ثانوی (یا ذهنی واقعیت) تفاوت می‌گذارند. قضاوت‌های نوع اول، آزمون‌ناپذیر هستند ولی قضاوت‌های ارزشی نوع دوم، اثبات آنها در عمل به خاطر مشکل عملی اندازه‌گیری یا پیچیدگی روابط داخلی یا عوامل دیگر مشکل است. از این رو، توافق عمومی درباره این قضاوت‌ها غیر ممکن بوده و معمولاً ارزش‌ها و علاقه‌های شخصی یا بخشی را منعکس می‌کنند.
- اقتصاددانان اعتقاد خود درباره اثباتی بودن یا هنجاری بودن علم اقتصاد را تا حدودی نسبت به اقتصاد رفاه حفظ کرده‌اند. چهار نظر درباره رابطه ارزش و علم اقتصاد و به‌طور ویژه اقتصاد رفاه در قرن بیستم مطرح شده است:
- اول ختثایی قوی؛ مطابق این نظر علم اقتصاد یا اثباتی است، یا باید اثباتی بماند. راینز

سخنگوی سرسخت این نظر، از این رو علم اقتصاد رفاه را از علم اقتصاد خارج کرده و آن را داخل در برزخ علم اخلاق می‌داند. اگرچه برخی پیروان او مثل آرچیبالد و طرفداران تئوری انتخاب عمومی، نشان دادند که علم اقتصاد رفاه از جهاتی مانند نظریه بیکاری و بلکه ریاضیات و منطق اثباتی است.

- نظر دوم خنثایی ضعیف؛ این نظر معتقد است علم اقتصاد ممکن است و حتی باید برخی مواقع هنجاری باشد. عالمان اقتصاد رفاه جدید مانند برگسون، ساموئلسون و لیتل معتقدند ساختن قضاوت‌های ارزشی از سوی آنان موجه است. مطابق قضاوت‌های ارزشی عمومی، بهینه پارتو مفهوم خاصی از خوبی و برتری پارتویی یک مفهوم ویژه‌ای از بهتر بودن است.
- نظر سوم خنثایی قوی؛ این عده با نظر اول مخالف‌اند. آنها معتقدند در قضاوت‌های ارزشی اشتباهی نیست، بلکه پنهان کردن آنها اشتباه است. البته اقتصاددانان اندکی مانند نئومارکسیست‌ها، نئوکینزین‌ها با این نظر موافق‌اند. میردال نماینده این گروه معتقد است یک علم اجتماعی بی‌طرف هرگز وجود ندارد.
- نظر چهارم عدم خنثایی ضعیف؛ این نظر معتقد است اقتصاددان بستگی به مورد پیش روی ممکن است، یا باید دست به قضاوت‌های ارزشی بزنند.
- اگرچه به‌طور گسترده اعتقاد بر این است که علم اقتصاد رفاه ضرورتاً هنجاری است و باید توصیه سیاستی مبتنی بر یک قضاوت ارزشی باشد؛ اما همچنین پذیرفته شده است که تحلیل در اقتصاد رفاه نظری می‌تواند بدون قضاوت‌های ارزشی زیاد صورت گیرد. البته برای برداشتن گامی بیشتر در تحلیل قضاوت‌های ارزشی لازم است، ولی این قضاوت‌ها را می‌توان در عبارت شرطی قرار داد و در نتیجه خود تحلیل عاری از ارزش است.

○ پرسش‌های فصل

۱. کارهای مهم اقتصاددانان کدام‌اند؟
۲. کارهای مهم اقتصاددان رفاه چیست؟
۳. تفاوت گزاره‌های واقعی و گزاره‌های ارزشی و معیار تمایز بین این دو چیست؟
۴. قضاوت‌های ارزشی به معنای واقعی کلمه و قضاوت‌های ذهنی واقعیت را با مثال تشریح کنید.
۵. نظریات متفاوت درباره اثباتی بودن یا هنجاری بودن اقتصاد رفاه را به اختصار توضیح دهید.
۶. نظر معتدل درباره اثباتی بودن یا هنجاری بودن اقتصاد رفاه را بیان کنید.

○ منابعی برای مطالعه بیشتر

- جوادی، محسن، مسئله باید و هست، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
- رئیس دانا، فربرز، «نقد و بررسی چند الگوی نظری در اقتصاد رفاه»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۳۵، ۱۳۸۱.
- شریف آزاده، محمدرضا، «جایگاه ارزش در متدلوژی و نظریه پردازی اقتصاد»، مجله اقتصاد و مدیریت، ش ۲۰ و ۲۱، ۱۳۷۱.
- عربی، سیده‌ادی، «از اقتصاد اثباتی تا اقتصاد هنجاری، بنیان‌های فلسفی و ارزشی اقتصاد رفاه»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۵۷، ۱۳۸۷.
- مک‌لایپ، فریتز، «اقتصاد اثباتی و دستوری»، مترجم یدالله دادگر و محمدنقی نظریور، نامه مفید، ش ۳۱، ۱۳۸۱.
- نظری، حسن‌آقا، «روش‌شناسی تمایز اقتصاد اثباتی و هنجاری و بازنگری آن در راستای نظریه پردازی علم اقتصاد اسلامی»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۱۶، ۶۴ و ۶۵، ۱۳۸۹.
- یوئنگرت، اندرم ام، «تمایز اثباتی - هنجاری در علم اقتصاد و تقدم تاریخی آن بر تمایز واقعیت - ارزش»، مترجم علی نعمتی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۷، ۲۶، ۱۳۸۶.

فصل دوم

درباره مفهوم رفاه

- **هدف کلی:** آشنایی با مفهوم رفاه در اقتصاد متعارف.
- **اهداف رفتاری:** براساس اهداف این فصل، انتظار از خواننده آن است که با مطالعه این فصل به اهداف پژوهشی ذیل دست یافته، بتواند:
 - ترکیبات مختلف واژه رفاه را نام ببرد؛
 - منشأ عناصر مختلف رفاه را توضیح دهد؛
 - مفهوم رفاه در لغت را تعریف کند؛
 - عینی بودن رفاه و دلایل طرفداران آن را توضیح دهد؛
 - ذهنی بودن رفاه و دلایل طرفداران آن را بیان کند.
- **واژه‌های کلیدی:** رفاه اقتصادی، رفاه (بهریستی) عینی، رفاه (بهریستی) ذهنی، مطلوبیت

۱. مقدمه

مفهوم رفاه اکنون وارد ترکیبات زیاد متفاوتی شده که به سختی می‌توان درباره آن اظهار نظر کرد. با وجود این، به علت نقش این مفهوم در برداشت ما از این مفاهیم مرکب مانند: دولت رفاه، رفاه عمومی، رفاه مالی، یا شغلی و رفاه کل جوامع و همچنین در اندازه‌گیری رفاه روشن شدن این مفهوم اهمیت دارد. ایده رفاه به طرق زیاد و متفاوت تعریف شده است که این مفهوم را نه تنها بی‌ثبات و مشکل، بلکه همچنین آن را آشفته ساخته است (گرو،^۱ ۲۰۰۸).

مفهوم رفاه عناصر زیادی دارد، روابط و ایده‌ها درباره رفاه که از علوم و رویکردهای متعددی از جمله اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فلسفه نشأت گرفته‌اند قابل تشخیص هستند.

1. Greve

همچنین می‌توان به رفاه از دورنمای زندگی روزانه یک شخص و نیازهای فردی (سطح خرد) و در سطح کلان اجتماعی نگریست. رفاه می‌تواند به نیازهای مادی و غیر مادی مربوط شود: به علاوه غالباً به تفسیرهای گوناگون درباره عدالت اجتماعی^۱ مرتبط شود. رفاه همچنین می‌تواند شامل افعال نوع دوستی کانال‌های تعقیب نفع طلبی، تمرین قدرت و تجدید حیات اخلاقی شود.

نظریه‌ها درباره ماهیت بهزیستی^۲ به قدمت خود فلسفه است. در سنت غربی، از زمان یونانی‌ها تاکنون به انواع گسترده‌ای از مفاهیم تمسک کرده‌اند: لذت،^۳ خوشحالی،^۴ رضایت از امیال یا ترجیحات،^۵ برآوردن نیازها،^۶ دستیابی به اهداف،^۷ توسعه ظرفیت‌ها یا قابلیت‌ها، فضیلت^۸ یا مزیت‌ها،^۹ حفظ کارکرد طبیعی،^{۱۰} معاش زندگی متناسب با طبیعت فرد^{۱۱} (سامنر، ۱۹۹۵). هدف این بخش آن است که تا اندازه‌ای این مفهوم روشن شده و بدین وسیله به درک مناسبی از روش‌های اندازه‌گیری رفاه و مقایسه آن کمک شود.

۲. مفهوم لغوی رفاه

رفاه در کتاب‌های لغت به معنای فراخ و آسان شدن زندگانی کسی، آسودگی و استراحت، ناز و نعمت، فراخ عیش، تن‌آسایی و سازواری است و رفاه به معنای زندگانی فراخ و به عیش زیستن، فراخ زیستن و رفاهیت به معنای آسایش و راحت و استراحت و آرامش و اطمینان و آسودگی است (دهخدا، ۱۳۷۷).

همچنین کلمه welfare در کتاب‌های لغت لاتین به معنای وضعیت یا شرایط خوب انجام دادن یا خوب بودن، فرصت خوب، خوشحالی، یا بهزیستی (یک فرد، جامعه یا چیز)، بالیدن به خاطر پیشرفت موفقیت‌آمیز در زندگی، خوشبختی و سعادت^{۱۲} آمده است (لغتنامه آکسفورد). لغتنامه جدید وبستر کلمات ترکیبی ذیل را چنین معنا می‌کند:

- | | |
|--|---|
| 1. social justice | 2. well-being |
| 3. pleasure | 4. happiness |
| 5. satisfaction of desires or preferences | 6. the fulfillment of needs |
| 7. objectives or aims | 8. virtue |
| 9. excellences | 10. the maintenance of normal functioning |
| 11. living of life appropriate to one's nature | 12. prosperity |